

پیشگفتار

کودکان سرمایه های ارزشمند و سازنده آینده جامعه هستند. آموزش و پرورش در دوره کودکی که زمان شکل گیری شخصیت و ایجاد عادات مختلف و پیشگیری از بروز مشکلات است. آینده فرد و جامعه را بنا می نهد و مسیر حرکت مملکت را مشخص می سازد. توجه به مسائل و مشکلات کودکان باعث پیشرفت و ترقی جامعه می شود و غفلت در رفع مشکلات آنان ، خسارات جبران ناپذیری به بار می آورد ؛ از این رو ، سرمایه گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش ابتدایی ، از حساس ترین و مهمترین وظایف دست اندر کاران و مسوولان جامعه است و باید از اولویت ویژه ای برخوردار باشد.

تعاریف

راهنمایی کودک

رذاهنمایی ، که معنی لغوی آن هدایت و ارشاد و اداره کردن است ، مفهوم و کاربرد گسترده ای دارد و پند و اندرز و مطالعه کتاب یا جدول یا مقاله و گوش دادن به یک سخنرانی و خطابه را شامل می شود. راهنمایی ، بصیرت و آگاهی کودک را در زمینه های گوناگون افزایش می دهد و موجبات رشد و نیل او را به درجات بالاتری از کمال فراهم می آورد. راهنمایی کودک ، یک سلسله فعالیتهای یاری دهندهء منظم و سازمان یافته

است که به رشد متعادل و همه جانبه و حداکثر استفاده از امکانات و تواناییهای بالقوه کودک می انجامد.

کودک از طریق راهنمایی:

۱. تواناییهایش را می شناسد.
۲. به محدودیتهایش پی می برد.
۳. با امکانات محیطی آشنا می شود و نحوه استفاده موثر از آنها را می آموزد
۴. چگونگی برقراری ارتباط درست و همزیستی مسالمت آمیز با دیگران را یاد می گیرد.

راهنمایی ، کودک را یاری می دهد تا دریابد که کیست؟ چگونه رفتار کند؟
انتظارات دیگران از او چیست؟ و در نهایت با شناخت خود و محیط بتواند برای تامین نیازهای فردی و اجتماعی خود تصمیمات مناسبی بگیرد.

همه کودکان را نمی توان با یک روش راهنمایی کرد. حتی برای حل مشکلات به ظاهر مشابه ، ممکن است روشهای متفاوتی به کار رود ؛ از این رو ، در راهنمایی کودکان نباید از یک روش قالبی استفاده شود ، بلکه راهنما با توجه به خصوصیات کودک و علل مشکل ، باید روشهای مناسبی انتخاب کند و به مرحله اجرا در آورد. همچنین راهنمایی کودکان به صورت فردی و گروهی انجام می شود. از طریق راهنمایی گروهی ، به تعدادی کودک که در یک مکان گرد آمده اند ، در زمینه های متعدد اطلاعات می دهند. راهنمایی گروهی که نقش آن پیشگیری از بروز مشکلات است ، موجب صرفه جویی در وقت و هزینه

می شود. مشاور و معلم می توانند با استفاده از ابزار و وسایلی نظیر فیلم و اسلاید و بروشورهای مختلف ، کودکان را از طریق گروهی راهنمایی کنند.

مشاوره کودک

معنی لغوی مشاوره ، همکاری کردن و رای و نظر تخصصی دیگران را برای انجام دادن کاری خواستن است. مشاوره کودک ، به منزله یک هنر ، تعامل فعال بین مشاور و کودک است که بدان وسیله کودک پس از طرح مشکل ، با کمک مشاور ، تواناییها ، امکانات و نیز محدودیتهایش را می شناسد و در نهایت به حل مشکلش اقدام می کند. در مشاوره کودک ضرورت دارد. با برقراری این ارتباط عاطفی و پذیرا ، کودک مشکلش را به نحو مقتضی مطرح می سازد و از مشاور تقاضای کمک می کند.

انواع مشاوره. مشاوره از دیدگاههای مختلف به انواع متعددی تقسیم می شود. این تقسیم بندی صوری است و به منظور سهولت عمل مشاور انجام می شود و مشاور هنگام مشاوره از همه انواع ، همزمان استفاده می کند. مشاوره از نظر موضوع به مشاوره تحصیلی ، شغلی ، خانوادگی و بهداشتی و از نظر اجرا به فردی و گروهی تقسیم می شود در مشاوره فردی ، مشاور در هر جلسه فقط با یک کودک به مشاوره می پردازد ؛ در حالی که در مشاوره گروهی تعداد کودکان در هر جلسه مشاوره بیش از یک نفر است.

مشاوره گروهی با کودکان. چون مشاوره گروهی با کودکان در سطح وسیعی انجام میشود ، مشاور باید با نحوه تشکیل و اداره جلسه مشاوره گروهی آشنا باشد. مشاورهء گروهی ، یک سلسله فعالیتهای سازمان یافته است که با تعدادی کودک در زمان

معینی انجام می شود. هدف این فعالیتها در مرحله اول معمولاً حل مشکل و در مرحله بعد پیشگیری از بروز مشکلات است.

مشاوره گروهی باعث می شود :

۱. کودک با دیگران دوست شود.

۲. بداند که دیگران نیز همچون او مشکل دارند.

۳. حمایت و پذیرش دیگران را به دست آورد.

۴. از دیگران بیاموزد

۵. احساساتش را بیان کند و به آرامش درون برسد.

۶. در مقایسه با دیگران خودش را بهتر بشناسد.

۷. انتقاد دیگران را با متانت و بردباری بپذیرد.

۸. برقراری روابط اجتماعی را بیاموزد

مشاوره گروهی همچنین از نظر زمان و هزینه در مقایسه با مشاوره فردی ، مقرون به صرفه است و تصمیمات اتخاذ شده در گروه از ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار است.

برای تشکیل مشاوره گروهی با کودکان ، مشاور باید مواردی را رعایت کند:

۱. عضویت کودک در گروه کاملاً آزاد و داوطلبانه انجام می شود

۲. تعداد کودکان در گروه پنج یا شش نفر بیشتر نباشد.

۳. گروه در اتاقی تشکیل شود که آزادی حرکت و جابه جایی صندلیها برای کودکان به

آسانی ممکن باشد

۴. کودکان مجاز باشند در صورت تمایل ، حضور در گروههای مختلف را تجربه کنند.

۵. با کودکان گروه در صورت نیاز ، مشاور فردی نیز انجام پذیرد.

۶. گفتگوها و مباحث جلسات گروهی محرمانه تلقی شود.

مشاور برای تشکیل گروه باید هدف یا اهداف معینی داشته باشد. مشاور در جلسه اول ،

خود را به کودکان معرفی می کند و درباره گروه با آنان به گفتگو می پردازد و از کودکان

می خواهد تا خود را معرفی کنند و علایق و هدفهای خود را مطرح سازند ، سپس با توافق

اعضای گروه ، حد و مرزی برای رفتارهای خاص در گروه معین می شود برای مثال ، در

گروه بازی درمانی ، توافق می شود که کودکان ابزار و وسایل بازی را نشکنند ، به سوی

یکدیگر پرتاب نکنند و آنها را از اتاق بیرون نبرند.

برای آنکه مشاوره گروهی به نتایج موثری بیانجامد مشاور باید:

۱. علاوه بر ایفای نقش رهبری ، خود نیز به عنوان یک عضو در بحثها و فعالیتهای

گروه شرکت کند؛

۲. به همه کودکان توجه داشته باشد و مسائل آنان را بخوبی درک کند.

۳. همه کودکان را در فعالیت گروهی شرکت دهد و طوری عمل کند که هیچ کودکی

خود را منزوی نسازد.

۴. در مواقع ضروری روشهای مناسب برای حل مشکلات پیشنهاد کند

مقایسه راهنمایی کودک با مشاوره کودک

مقایسه راهنمایی کودک با مشاوره کودک تفاوت دارد. راهنمایی کودک دارای مفهوم کلی و کاربرد وسیعی است و تمام برنامه ها و تلاشهایی را شامل می شود که برای کمک به بهبود رفتار و رشد کودک تهیه شده ، به مرحله اجرا در می آید. راهنمایی کودکدر وهله اول از بروز مشکلات پیشگیری می کند ؛ در حالی که در مشاوره کودک که یکی از فنون و خدمات راهنمایی است. اولویت بر درمان مشکلات است. همان گونه که می دانیم پیشگیری نه تنها بر درمان تقدم دارد ، بلکه پر اهمیت تر ، ساده تر ، ارزانتر و عملی تر نیز خواهد بود.

روان درمانی کودک

مقایسه روان درمانی کودک با مشاوره کودک ، بی فایده نخواهد بود. روان درمانی ، تلاش تخصصی پویانی است که بدان وسیله درمانگر به درمان کژ رفتاریها و اختلالات روانی ، تغییر یا توقف علائم بیماری و در نهایت دگرگون سازی شخصیت کودک در جهت معیارهای مطلوب فردی و اجتماعی اقدام می کند. از طریق روان درمانی ، درمانگر متخصص با بهره گیری از روشهای روانشناختی به حل مشکلات کنشی درمانجو می پردازد و او را در نیل به رشد فکری و سلامت روانی یاری می دهد.

درباره تمایز مشاوره با روان درمانی سخن بسیار گفته شده است. همه نظریه پردازان مشاوره و روان درمانی بر این مورد اتفاق نظر دارند که مشاوره و روان درمانی ، یک رابطه تخصصی یاری دهنده بین درمان جو و درمانگر است که به حل مشکل کنشی درمانجو می انجامد.

عده ای از متخصصان ، بین روان درمانی و مشاوره تفاوت قائلند و روان درمانی را برای حل مشکلات حاد و ایجاد تغییرات بنیادی در شخصیت موثر می دانند و مشاوره را برای رفع مشکلات سطحی توصیه می کنند. عده دیگری از متخصصان تفاوت چشمگیری بین مشاوره و روان درمانی کودک بیش از آنکه کیفی باشد ، کمی است ؛ یعنی در مشاوره مسائل عاطفی حاد کمتر مطرح می شود ، نگرش مثبت بیشتری نسبت به مراجع و نگرانی او وجود دارد و مدت درمان کوتاه تر است.

اهداف راهنمایی و مشاوره کودک

هدف به معنی نشانه تیر ، آنچه آدمی برای رسیدن به آن می کوشد و نقطه مورد نظر است. هدف ، محرک اصلی رفتار است و فرد را به کوشش و فعالیت وا می دارد. بدون درک روشن از هدف نهایی فرد ، شناخت دقیق رفتار او ممکن نیست. اهداف راهنمایی و مشاوره کودک از دیدگاههای متعدد قابل بررسی است. راهنمایی و آموزش و پرورش از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و اهداف آنها موید یکدیگر است. اعمال برنامه های راهنمایی مناسب و پویا ، به غنای آموزش و پرورش می انجامد و کودک را در خود شناسی ، مسئولیت پذیری ، شناخت محیط ، توانایی تصمیم گیری ، حل مسائل ، برقراری رابطه با اطرافیان ، شناخت و ارضای مناسب نیازهای فردی اجتماعی و آشنایی با ارزشهای مطلوب و قبول آن یاری می دهد.

از طریق راهنمایی

۱. کودکانی که استعداد ویژه دارند یا کسانی که به کمکهای خاص نیازمندند شناخته

می شوند و برای کار کردن با آنان وضعیت مطلوب فراهم می آید.

۲. به کودکان فرصت داده می شود تا تصمیم گیری درست را بیاموزند و مشکلاتشان

را حل کنند.

۳. به کودکان کمک می شود تا پس از پایان تحصیلات دوره ابتدایی احتمالاً بتوانند به

کاری مشغول شوند و زندگی رضایت بخشی داشته باشند.

۴. به کودکان فرصت داده می شود تا برای تامین نیازهایشان از منابع وامکانات جامعه

حداکثر استفاده را بکنند.

مشاوره سه هدف آنی، میانی و غایی را دارد. اهداف آنی مشاوره از آنچه در لحظه به لحظه

جلسه مشاوره واقع شده، ناشی می شود. اهداف میانی مشاوره به دلایل و عللی وابسته است

که کودک به منظور آنها تقاضای کمک کرده است و در نهایت، اهداف غایی مشاوره از

نظریات فلسفی مشاور درباره انسان سرچشمه می گیرد. هر متخصص با توجه به اعتقادات،

آموزشها و نگرش خود نسبت به ماهیت انسان، هدف مشخصی برای مشاوره پیشنهاد

میکند. تقریباً تمام مشاوران معتقدند که مشاوره باید به ایجاد تغییرات مناسب در رفتار

کودک به منظور تامین زندگی مفیدتر و رضایت بخش تر و خلاق تر بی انجامد. افزایش

خودشناسی، بهبود و تسریع رشد همه جانبه، یادگیری شیوه های صحیح تصمیم گیری و

حل مساله، ارضا نیازها به طور مناسب، استفاده بهتر از امکانات و منابع جامعه، افزایش

احساس مسئولیت در قبال خود و جامعه ، برقراری رابطه معکوس با اطرافیان ، افزایش احساس مسئولیت در قبال خود و جامعه ، برقراری رابطه معکوس با اطرافیان ، افزایش احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس و تغییر در نگرشها و رفتارهای نامطلوب از دیگر اهداف مشاوره کودک محسوب می شود.

می توان گفت هدف از مشاوره کودک ، نخست تغییر در رفتار کودک است ، به طوری که بتواند

۱. زندگی مفید و هماهنگ با تقاضاهای جامعه داشته باشد ؛

۲. تامین بهداشت روانی مناسب است ، به طوری که کودک بتواند با خود و دیگران مسوولانه زندگی کند و رفتارش مستقل و منسجم باشد.

۳. کودک به حل مشکلاتش موفق شود و بتواند در آینده با بررسی صحیح مشکلات ، تصمیمات مناسبی در زمینه های گوناگون بگیرد.

قبل از رنسانس وحتى سالها پس از آن ، آموزش و پرورش کودکان و برخورد با آنان بر اساس تواناییها و علائق آنان انجام نمی گرفت و از کودکان انتظار می رفت همچون بزرگسالان بیندیشند و رفتار کنند. در آن دوره ، راهنمایی کودک معنی و مفهوم چندانی نداشت. در سالهای بعد ، بتدریج نگرش متداول گذشته نسبت به کودک بویژه در خانواده های طبقات مرفه تغییر کرد و والدین به بازی کردن و سرگرم ساختن کودکان پرداختند و به طور دوستانه با آنان رفتار کردند و تفاوتهای کودکان را در آموزش و پرورش آنان در نظر گرفتند.

متفکران بسیاری از جمله اسپنسر ، بینه وگالتون در پیدایش راهنمایی و مشاوره کودک نقش مهمی داشته اند. اولین بار در سال ۱۸۸۴ گالتون و سپس در سال ۱۸۹۳ سولی ضمن تحقیقات وفعالیت‌های خود به نوعی ، اهمیت شناخت خصوصیات کودکان و ضرورت همکاری معلمان را در ارتقای کیفی آموزش و پرورش مطرح ساختند.

حدود سال ۱۹۰۰ با تهیه آزمونهای روانی وتوجه به تشخیص و تربیت عقب مانده های ذهنی ، کلینیکهای راهنمایی کودک در برخی نقاط جهان تاسیس شد و بدان وسیله مقدمات ایجاد مراکز مشاوره فراهم آمد. مقارن همان زمان ، درمان رسمی مشکلات رفتاری کودکان آغاز شد و زیگموند فروید کودک پنج ساله ای را که بشدت از اسب می ترسید واز خانه بیرون نمی رفت ، با موفقیت درمان کرد. تقریباً بیست سال بعد ، روش درمانی فروید به طور وسیع در مورد کودکان به کار گرفته شد.

در سال ۱۹۱۴.با به رسمیت شناخته شدن راهنمایی کودک ، علل سازگاری و ناسازگاری کودکان در مدرسه وجامعه وخانواده مورد بررسی جدی قرار گرفت.در نتیجه این تلاش ها ، نقش عوامل اجتماعی خارج از مدرسه در ایجاد مشکلات دانش آموزان ، مهم تلقی شد وروانشناسان با کمک مدد کاران اجتماعی در کلینیکهای روانشناسی ، مشکلات کودکان را بررسی و حل و فصل کردند.

بعد از جنگ جهانی اول ، آدلر به تاسیس کلینیکهای راهنمایی کودک در مدارس وین اقدام کرد.در این مراکز علاوه بر راهنمایی کودکان ، به والدین نیز آموزشهای ضروری به

منظور آگاهی از روشهای تربیت صحیح کودکان داده می شد. این مراکز در سال ۱۹۳۴ با روی کار آمدن فاشیسم تعطیل شد و به آمریکا انتقال یافت.

به دنبال جنگ دوم جهانی ، تاسیس مراکز راهنمایی و مشاوره کودک در کشورهای اروپایی و امریکایی بیش از پیش ضروری تشخیص داده شد. با تاسیس این مراکز ، روان شناسان و مدد کاران اجتماعی به کودکان کمک کردند تا مشکلات مربوط به خود را حل کنند.

در قرن بیستم به ایجاد برنامه های تربیتی برای بهبود و رشد کودکان توجه بیشتری شد ، به طوری که بین سالهای ۱۹۵۹-۱۹۷۹ (برگزاری اولین کنفرانس درباره کودکان و سال جهانی کودک) برای شناسایی و درمان اختلالات رفتاری کودکان ، اقدامات چشمگیری

انجام گرفت. نتایج این تلاشها به صورت کتابهای گوناگون و تحقیقات مختلف درباره کودکان به بازار علم عرضه شد.

ضرورت راهنمایی و مشاوره کودک

تحقق اهداف آموزش و پرورش و ارضا نیازهای کودکان به طور مناسب ، راهنمایی

و مشاوره کودک را ضرورت می بخشد. نیازهای کودکان از جمله نیازهای جسمانی ، نیاز به

ایمنی ، نیاز به محبت و احساس تعلق ، نیاز به ارزشمندی و اعتماد به نفس و نیاز به خود

شکوفایی ، از طریق اجرای برنامه راهنمایی و مشاوره به طور مناسب تر و مطلوب تر تامین

می شود.

پیشرفت و تعالی هر مملکت به کار آمد بودن نظام آموزش و پرورش آن کشور وابسته است. سرمایه گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش ابتدایی، نوعی سرمایه گذاری دراز مدت، ولی پر سود است و هرگز بی توجهی به آن، جامعه و کشور را با خسارات و ضایعات جبران ناپذیری مواجه خواهد ساخت. اهداف اصلی آموزش و پرورش ابتدایی عبارت است از: آشنا ساختن کودکان با زندگی اجتماعی، ایجاد و تقویت توانایی گوش دادن، سخن گفتن درست، تفکر و استدلال، درک ارزشها، آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن و تربیت دینی و اخلاقی. در تمام این موارد، از طریق راهنمایی و مشاوره، کودکان و مربیان و والدین در شناسایی بهتر و بیشتر خصوصیات این دوره و دریافت راه حل‌های مناسب برای مشکلات موجود هدایت می شوند.

کودکان در روند رشد و زندگی روزمره با مشکلاتی مواجه می شوند که اگر بموقع بر طرف نگردد، در دوره های بعد حاد و شدید خواهد شد. عواطف و رفتار و احساسات آنان انعطاف پذیرتر است و هرگونه اقدام پیشگیرانه و درمانی، باعث رشد یکشخصیت سالم و متعادل در سالهای آتی می شود آتی می شود. مشاور با کمک والدین و مربیان می تواند کودک را در رفع مشکلات و ایجاد رفتارهای مناسب یاری دهد.

خصوصیات کودکان

برای کار کردن با کودکان ، آشنایی با خصوصیات آنان ضرورت دارد؛ زیرا بدون شناخت خصوصیات کودکان ، کار کردن با آنان غیر ممکن است. کودکی که تولد تا حدود دوازده سالگی را در بر می گیرد به سه دوره شیر خوارگی ، پیش دبستانی و دبستانی تقسیم می شود.

در این فصل ، خصوصیات بهنجار رشد کودکان در ابعاد ، ذهنی ، روانی ، اجتماعی و اخلاقی به اختصار بررسی می شود تا مشاوران ضمن آشنایی با آنها ، بتوانند موارد استثنایی و غیر عادی را تشخیص دهند و به طور مناسب در صدد رفع مشکلات بر آیند.

خصوصیات دوره شیر خوارگی

دوره شیر خوارگی از تولد تا دو سالگی را شامل می شود. در لحظه تولد وابستگی فیزیولوژیکی نوزاد به مادر پایان می یابد و بتدریج زندگی مستقل خود را آغاز می شود. نوزاد پس از تولد برای ادامه زندگی ، باید و بتدریج زندگی مستقل او آغاز می شود. نوزاد پس از تولد برای ادامه زندگی ، باید بتواند برخی از نیازهایش از جمله تنفس ، تنظیم حرارت بدن ، خواب و استراحت ، دفع مواد زائد و تغذیه را به طور مستقل برآورده سازد. تغییرات دو سال اول زندگی در ابعاد جسمانی ، ذهنی ، روانی ، اجتماعی و اخلاقی ، کودک را برای انجام دادن اعمال روزانه اش آماده می سازد.

خصوصیات دوره دبستانی

دوره سومکودکی که سنین شش تا دوازده سالگی را شامل می شود و به دوره دبستانی معرف است. آغاز آموزش رسمی کودک است. کودک در این دوره ، خواندن و نوشتن و حساب کردن را می آموزند ، علاقه مند است کارهایش را خوب انجام دهد ، محتاطانه عمل می کند ، اعتماد به نفس دارد و می خواهد هر کاری را خودش تجربه کند.

رشد جسمانی

رشد جسمانی در دوره دبستانی نسبتاً کندتر از دوره های قبل است. قد کودک شش ساله تقریباً ۱۱۲ سانتیمتر و وزنش ۲۲ کیلوگرم است. در دوازده سالگی قد تقریباً به ۱۵۰ سانتیمتر و وزن به ۴۵ کیلوگرم می رسد. تا ده سالگی ، پسران از دختران اندکی بلندتر و سنگین ترند ، ولی در ۱۵ سالگی دختران از پسران پیشی می گیرند. در دوره دبستانی ، نسبت و شکل اندامهای بدن به بزرگسالان شبیه می شود و استخوانهای بدن سفت می گردد. اولین دندانهای دائمی در حدود شش سالگی می رویند و تقریباً تا دوازده سالگی کامل می شوند. در رشد جسمانی کودکان دبستانی ، تفاوتهای کمی و کیفی وجود دارد. پسران بیشتر بافتهای ماهیچه ای و دختران بیشتر بافتهای چربی دارند. در این دوره ، احتمال پوسیدگی دندانها و پیدایش بیماریهای نظیر روماتیسم قلبی ، دیابت ، فلج وانواع حساسیتها افزایش می یابد. سلامت جسمانی در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک موثر است و بیماریهایی نظیر روماتیسم قلبی ، دیابت ، فلج وانواع حساسیتها افزایش می یابد.

سلامت جسمانی در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک موثر است و بیماریهای طولانی ، موجب گوشه گیری کودک می شود.

روشهای ارزیابی رفتار کودکان

برای آنکه مشاور بتواند با کودکان به طور موثر کار کند ، باید خصوصیات آنان را به خوبی بشناسد. جمع آوری و استفاده صحیح از اطلاعات دقیق و جامع برای ارائه شیوه های درمانی مفید به کودکان ، یک ضرورت حتمی است. مشاور با استفاده از ابزار و روشهای گوناگون می تواند به اینگونه اطلاعات دسترسی پیدا کند. در این فصل ابزار و روشهای جمع آوری اطلاعات مورد استفاده در راهنمایی و مشاوره کودک بررسی می شود.

۱. مشاهده

مشاوران و معلمان از طریق مشاهده که از مهمترین روشهای غیر تستی شناخت کودکان به شمار می رود ، می توانند خصوصیات شخصیتی ، علایق ، استعدادها ، تنشها ، تحریک پذیری ، زود رنجی ، خستگی و تند خویی کودکان را تشخیص دهند. مشاهده ، بررسی ارادی و فعال و دقیق رفتار و حرکات و گفتار کودک است و با دیدن که عملی غیر ارادی است تفاوت دارد. مشاهده بر اساس طرح و نقشه و اهداف از قبل تعیین شده انجام می شود. مشاهده چون به ابزار و وسایل خاصی نیاز ندارد ، در همه مواقع قابل استفاده است.

برای آنکه نتایج حاصل از مشاهده در شناخت رفتار و راهنمایی و مشاوره کودک قابل استفاده باشد ، باید نکاتی رعایت شود

۱. باید هدف از مشاهده را با دقت و صراحت تعیین کند و بداند که چه رفتارهایی را میخواهد مورد مشاهده قرار دهد.

۲. مشاهده باید در وضعیت واقعی و موقعیتهای عادی انجام گیرد و مشاهده شوند نباید بداند که مورد مشاهده قرار دارد تا رفتار ساختگی بروز ندهد.

۳. بر اساس یک بار مشاهده نباید درباره رفتار کودک قضاوت شود ، بلکه لازم است مشاهده توسط چند نفر و در موقعیتهای متفاوت به دفعات انجام

گرفته و بر اساس نتایج حاصل ، قضاوت و نتیجه گیری شود.

۴. به دلیل افزایش دقت ، در هر زمان فقط رفتار یک کودک مشاهده شود

۵. مشاهده گر هنگام مشاهده نباید یادداشت بردارد. زیرا یادداشت برداری ، موجب

کاهش دقت مشاهده گر و حواس پرتی مشاهده شونده می شود. مشاهده گر باید

موارد مشاهده شده را به خاطر بسپارد و بی درنگ پس از پایان مشاهده ، آنها را

ثبت کند.

از طریق تعبیر و تفسیر نتایج حاصل از مشاهده ، علل و نوع رفتار مشخص شده ،

فرضیه های مشاهده گر تایید یا تکذیب می شود. مشاهده گر در تعبیر و تفسیر

نتایج مشاهده ، باید با دقت و احتیاط عمل کند و عقاید و نظرهای شخصی خود را

دخالت ندهند و هیچ گاه تنها بر اساس نتایج مشاهده صرف درباره رفتار کودک قضاوت نکنند.

۲. مصاحبه

مصاحبه یکی از روشهای معتبر و رایج برای شناخت فرد محسوب می شود. مشاور در مصاحبه می تواند حالتها و رفتار کودک را نیز مورد مشاهده قرار دهد. معنی لغوی مصاحبه با کسی صحبت کردن ، با فردی یار و همدم شدن و ملاقات روودر روست.

مصاحبه ، گفتگوی حضوری و هدفدار مشاور با کودک است که بدان وسیله مشاور ، اطلاعات معینی درباره کودک به دست می آورد. مصاحبه با گفتگوی روزمره و

صحبتهای دوستانه تفاوت دارد. مصاحبه ؛ دارای هدف و نظم خاصی است در حالی که در محاوره های معمولی ، چنین نظم وهدف خاصی وجود ندارد.

در مصاحبه ، دو طرف مصاحبه روبروی هم مینشینند ، گفتگوی آنان دارای هدف معین و مشخصی است و هر یک بر دیگری اثر می گذارد. همچنین مصاحبه گر باید مصاحبه شونده را همان طور که هست بپذیرد و هیچ گاه او را تحقیر و مسخره نکنند ، اعتماد او را کامل جلب کند ، به حرفهایش بخوبی گوش دهد و تا حد ممکن از دادن پند و اندرز بپرهیزد.

مصاحبه از نظر هدف به دو نوع تحقیقی و مشاوره ای و درمانی تقسیم می شود.

مصاحبه تحقیقی که برای کشف حقایق انجام می گیرد. بر حسب هدف به مصاحبه اطلاعاتی (برای جمع آوری و دادن اطلاعات به مراجع) ، مصاحبه حقیقت یا بی (برای

روشن سازی نکات مبهم اطلاعات جمع آوری شده) ، مصاحبه عقیده ای (برای روشن سازی نکات مبهم اطلاعات جمع آوری شده) ، مصاحبه عقیده ای (برای آگاهی بر عقاید و نگرشهای مراجع) و مصاحبه استخدامی (برای کسب آگاهی از تجارب و علایق و تواناییهای شغلی داوطلب) تقسیم می شود. مصاحبه مشاوره ای و درمانی به منظور کمک به شناخت و حل مشکلات روانی مراجع انجام می پذیرد (مصاحبه از نظر اجرا به دو نوع محدود و آزاد تقسیم میشود. مصاحبه گر در مصاحبه محدود یا سازمان یافته ، اطلاعات مشخصی را در چهار چوب معینی از مصاحبه شونده جمع آوری میکند. مصاحبه گر در مصاحبه آزاد ، بدون هیچ محدودیتی و بنا به میل و سلیقه شخصی از مصاحبه شونده سوال میکند و مصاحبه شونده آزاد است بدان گونه که می خواهد پاسخ دهد.

مصاحبه ، گر چه روش مناسبی برای شناخت فرد است ، به دلیل محدودیتهایی که دارد (از جمله تفسیر ذهنی گفته های مصاحبه شونده ، نامناسب بودن اوضاع زمانی و مکانی موقعیت مصاحبه ، ترسها و دلهره های مصاحبه شونده ، نامناسب بودن اوضاع زمانی و مکانی موقعیت مصاحبه گر) نتایج آن نمی تواند خیلی موثق و دقیق باشد بنابراین هیچگاه نباید به صورت تنها وسیله برای شناخت رفتار و قضاوت درباره کودک استفاده شود.

۳. پرسشنامه

کاربرد پرسشنامه یکی از روشهای فوری برای جمع آوری اطلاعات بسیار در زمان کوتاه از مراجعان است. پرسشنامه، مجموعه چند سؤال است که به منظور سنجش رفتار و حالت‌های مشخصی اجرا می‌شود. سؤالهای پرسشنامه باید با توجه به هدف معینی تهیه و تدوین شود. هر چه اهداف پرسشنامه گسترده تر باشد، تعداد پرسشهای آن بیشتر خواهد بود. بهتر است هر پرسشنامه، یک یا چند هدف محدود داشته باشد تا تعداد پرسشهای خیلی زیاد نشود.

تهیه و اجرای پرسشنامه یک کار تخصصی است. در تهیه پرسشنامه نکاتی از جمله محدود و مشخص بودن موضوع و اهداف پرسشنامه، روشن و واضح بودن پرسشها، خودداری از طرح پرسشهای دو پهلو و مبهم، پرهیز از درج جملات طولانی، طرح فقط یک خصیصه و یک مورد در هر سؤال، قابل فهم بودن پرسشها برای پاسخگو، رعایت نظم منطقی در تدوین پرسشها، طولانی نبودن پرسشنامه و عدم استفاده از کلماتی نظیر غالباً و معمولاً باید رعایت شود.

پرسشنامه ممکن است به دو صورت پاسخ بسته و باز تهیه و تنظیم شود. در پرسشنامه پاسخ بسته که پاسخها قبلاً توسط پرسشگر تهیه و پیشنهاد شده است پاسخگو فقط موظف است پاسخ مورد نظرش را انتخاب کند. تکمیل این نوع پرسشنامه به وقت کمتری نیاز دارد. پاسخها نسبتاً عینی است و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از آنها آسانتر

است. پاسخگو در سوالهای پاسخ باز ، آزاد است هرگونه که دوست دارد به پرسشهای مطرح شده پاسخ دهد. نتیجه گیری از این نوع پرسش ها نسبتاً مشکل است.

پرسشنامه به انواعی از جمله پرسشنامه های شخصیت (برای سنجش خصوصیات شخصیتی) و پرسشنامه های رغبت (برای سنجش انواع رغبتها) تقسیم می شود.

بر پرسشنامه ها انتقاداتی وارد شده است. از جمله اینکه پرسشنامه ، پاسخگویان را

انطوری که هستند نمی سنجد ؛ بلکه آنان را آنگونه که خود می خواهند باشند ، معرفی

می کند. در مقابل ، سهولت اجرا و نمره گذاری و صرفه جویی در وقت و هزینه از محاسن

پرسشنامه محسوب می شود. نکته مهم آنکه ، مشاور نباید تنها با توجه به نتایج پرسشنامه

درباره رفتار و حالات مراجع قضاوت کند. توصیه می شود که برای دقت بیشتر و حصول

نتایج مطمئن تر ، مراجع ، پرسشنامه را در حضور مشاور تکمیل کند تا مشاور ، رفتار

مراجع را هنگام تکمیل پرسشنامه مشاهده کند و در تفسیر نتایج ، آن را بکار گیرد.

۴. مقیاس درجه بندی

استفاده از مقیاس درجه بندی از دیگر روشهای شناخت مراجعان است. از طریق

مقیاس درجه بندی درباره حدود و چگونگی خصوصیات رفتاری بارز کودک قضاوت می

شود. در این روش ، مشاهده گر درجه و میزان صفات و ویژگیهای معینی را که با اعداد و

عبارات کوتاه در پرسشنامه مشخص شده اند درباره کودک مشاهده شونده تعیین می

کند و گزارش می دهد.

در مقیاس درجه بندی که معمولاً برای ارزیابی خصوصیات رفتاری بارز و قابل مشاهده به کار می رود ، باید خصوصیات و رفتارهای مورد نظر به طور روشن و صریح تعریف شوند تا همه ارزیابیها از آنها برداشت و مفهوم یکسانی داشته باشند.دیگر اینکه خصوصیات و رفتارهای مورد نظر به سادگی و به آسانی قابل مشاهده باشند ، در غیر اینصورت بررسی و ارزیابی دقیق آنها ممکن نخواهد بود .همچنین درجات ارزیابی خصوصیات و رفتارهای مورد نظر باید دقیق و روشن مشخص شود تا ارزیاب بتواند به طور دقیق به آنها پاسخ دهد. مقیاس درجه بندی به صورت درجات متعددی تهیه و تنظیم می شود که اگر تعداد درجات بسیار باشد ، اظهار نظر برای ارزیاب مشکل می شود و اگر کمتر باشد ، دقت ارزیابی کاهش می یابد . مقیاس درجه بندی را مشاور یا معلم یا والدین وگاهی نیز خود دانش آموز می تواند درباره خودش تکمیل کند.

مقیاس درجه بندی وسیله ذهنی است ؛ زیرا ارزیاب بر اساس محتوای ذهنی و قضاوت شخصی به قضاوت و تفسیر رفتار ارزیاب ، از درجه صحت و دقت و اعتبار مقیاس درجه بندی می کاهد ؛ بنابراین مشاور نباید قضاوت در مورد رفتار کودک را تنها بر اطلاعات حاصل از مقیاس درجه بندی متکی سازد.

۵. شرح حال نویسی

کاربرد شرح حال ، از دیگر روشهای شناخت مراجعان است.در شرح حال نویسی ، فرد مطالبی درباره خودش بنویسد و هیچگونه محدودیتی ندارد ؛ ولی در شرح حال نویسی محدود ، فرد فقط باید در مورد سوال مطرح شده مطالبش را ارائه دهد.مشاور و معلم

نباید فقط به استفاده یکی از انواع شرح حال اکتفا کنند، بلکه توصیه می شود با توجه به نیاز و موقعیت، از هر دو نوع استفاده کنند. شرح حال نویسی باعث می شود که فرد درباره خودش بیشتر بیندید و معلم و مشاور، دانش آموز را بهتر بشناسد و به مشکلات او پی ببرند.

مشاور و معلم باید فقط زمانی از فرد بخواهند شرح حال بنویسد که علت خاصی برای نوشتن آن موجود باشد. هدف از نوشتن شرح حال برای مراجع، باید کاملاً روشن باشد. محتوا و مطالب شرح حال نوشته شده محرمانه تلقی شود و در اختیار هیچکس قرار نگیرد. هیچگاه از شرح حال نباید به عنوان موضوع انشا استفاده شود.

تفسیر شرح حال نوشته شده در شناسایی مراجع اهمیت به سزایی دارد و باید با دقت به وسیله فرد متخصص انجام شود. به کلماتی که مبین حالات روانی و عاطفی نظیر عشق و محبت و نفرت هستند، باید توجه خاصی مبذول شود. مشاور باید به طرز نوشته و خط نویسنده و ظاهر شرح حال توجه کند؛ زیرا این موارد، نکات مهمی را درباره فرد روشن می سازد. سرانجام آنکه مشاور پس از مطالعه شرح حال و بررسی اطلاعاتی که از طریق روشهای دیگر به دست آورده است، می تواند با مراجع، جلسه مصاحبه ترتیب دهد و موارد مبهم را با او مطرح سازد و برای راهنمایی و حل مشکل مراجع اقدام کند.

۶. گروه سنجی

از گروه سنجی برای شناخت ارتباطات و مناسبات اجتماعی بین افراد گروه استفاده می شود. در گروه سنجی از هر کدام از اعضای گروه خواسته می شود تا مشخص کنند در موقعیت خاصی با چه کسانی دوستی و همکاری صمیمی خواهند داشت. با استفاده از گروه سنجی افراد مورد علاقه، منزوی و طرد شده شناخته می شوند.

در اجرای گروه سنجی باید به نکاتی توجه شود.

۱- افراد گروه باید با یکدیگر بخوبی آشنا باشند تا بتوانند درباره رفتارهای

یکدیگر با توجه به صفت مورد نظر قضاوت کنند.

۲- صفت مورد نظر باید با دقت و صراحت برای همه اعضای گروه به وضوح

توصیف و مشخص شود.

۳- نتایج گروه سنجی باید محرمانه تلقی شود.

اطلاعات حاصل از گروه سنجی به دو شیوه دایره نگار و جدول نگار، تجزیه و تحلیل

می شود. در اینجا نیز لازم است یادآوری کنیم که مشاور نباید اطلاعات حاصل از گروه

سنجی را تنها ملاک برای شناخت کودک قلمداد کند.

۷. آزمونهای روانی

آزمونهای روانی یکی از ابزار عینی شناخت خصوصیات کودکان است. کودک هنگام پاسخگویی به موارد مطرح شده در آزمون، نمونه ای از رفتارش را بروز می دهد که بر اساس آن می توان رفتارهای آینده او را پیش بینی کرد. در مشاوره، آزمون، وسیله ای عینی برای سنجش رفتار معین در زمان مشخصی است. در آزمونهای عینی، قضاوت ذهنی و نظر شخصی مجری در اجرا و نمره گذاری و تفسیر آنها دخالت ندارد و تفاوت نمرات احراز شده به تفاوت واقعی بین آنان مربوط می شود، نه روش اجرای آزمون. آزمونهای روانی با توجه به معیارهای مختلف طبقه بندی می شود. از نوع تنوع،

پاسخها ممکن است به صورت بلی و خیر، چند گزینه ای، توضیحی و فرافکن باشد. از طریق پاسخهای فرافکن که تفاوتهای فردی را مشخص می سازد، مشاور می تواند اطلاعات بیشتر و دقیقتری درباره نحوه تفکر و هیجانات و احساسات کودک به دست آورد. آزمونها از نظر محتوا و موضوع به آزمونهای هوش، استعداد، شخصیت و رغبت تقسیم می شود. آزمونها ممکن است به صورت فردی یا گروهی اجرا شود. آزمونهایی که عامل زمان در آنها موثر است، «آزمون سرعت» و آزمونهایی که زمان اجرای آنها دخالت ندارد «آزمون قدرت» می نامند. آزمونها از نظر شکل به سه نوع ابزاری، کتبی و شفاهی تقسیم می شود.

مشاور در مواقع ضروری می تواند از آزمونهای روانی مناسب به طور صحیح استفاده کند؛ ولی باید به خاطر داشت که بدون کاربرد آزمونهای روانی نیز میتواند در شناخت

و حل مشکلات کودکان موفقیت به دست آورد و استفاده نادرست ی نایجا از آزمونهای روانی ، بر مشکلات و مسائل کودکان و خانواده های آنان می افزاید.

مشاور در انتخاب و اجرای آزمونهای باید بسیار دقیق و محتاط باشد و هنگام استفاده از آزمونها بداند چرا آزمون را به کار می برد ، از چه نوع آزمونی بهتر است استفاده کند ، نحوه اجرا و نمره گذاری آن چگونه است و شیوه های تفسیر نتایج حاصل شده به چه نحوی است. مشاور بر اساس نتایج حاصل از آزمونها میتواند برای تغییر اصلاح رفتارهای نامناسب کودکان برنامه ریزی کرده ، تواناییها وضعفهای آنان را در جلسات مشاوره با والدین بررسی کند.

نقش افراد در راهنمایی و مشاوره کودک

گفتیم راهنمایی و مشاوره کودک فعالیتی جمعی است که به همکاری و مشارکت افراد متعدد نیساز دارد. برای آنکه مشکل کودک حل شود ، همکاری صمیمی و جدی بین مشاور ، والدین ، کارکنان مدرسه و موسسات و نهادهای اجتماعی ضروری است. در این فصل ، نقش افراد مختلف در جمع آوری اطلاعات درباره کودک به منظور کمک به حل مشکلات او به اختصار بررسی می شود.

۱. نقش مشاور

سرپرستی فنی و تخصصی برنامه راهنمایی و مشاوره با مشاور است. فعالیتهای مشاور عبارت است از : مشاوره ، مشورت و هماهنگی در مورد کودکان ، مشاوره نسبت به دو وظیفه دیگر اهمیت کمتری دارد و مشورت با والدین و معلمان و ارائه رهنمودهای

اصلاحی و تربیتی و آشنا ساختن آنان با شیوه های تعامل صحیح با کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اهم وظایف مشاور عبرت است از : مشاوره با والدین کودکانی که مشکل دارند ، مشاوره فردی و گروهی با کودکانی که دارای مشکل هستند ، آموزش معلمان و والدین برای آنکه بهتر بتوانند مشکلات کودکان را حل کنند ، اجرای آزمونهای روانی در مدرسه ، تعبیر و تفسیر نتایج آزمونها برای والدین و معلمان و در نهایت هماهنگی کلیه تلاشهایی که افراد مختلف برای حل مشکل کودک انجام می دهند.

مشاوران کودک باید دارای خصوصیتی باشند از جمله: حوصله ، ثبات عاطفی ، بی ریایی ، رفتار دوستانه ، صمیمیت ، حضور ذهن ، انعطاف پذیری ، سعه صدر ، آرامش ، مهربانی ، تعادل روانی ، اعتقاد به توان و استعداد کودکان ، اطلاعات تخصصی درباره مشاوره ، علاقه به کودکان و تمایل به حل مشکلات آنان ، راز داری ، برخورداری از استعداد رهبری ، خوش رفتاری ، وضع ظاهری مناسب و اعتماد به نفس.

در زمینه اطلاعات علمی و تخصصی ، مشاور باید دروس بنیادی آموزش و پرورش و جامعه شناسی را با موفقیت بگذاراند ، اصول و روشهای راهنمایی مشاوره را بخوبی بداند ، در زمینه انواع مختلف روان شناسی از جمله روان شناسی عمومی ، شخصیت ، رشد و تربیتی اطلاع کافی و قابل قبول داشته باشد ، انواع بیماریهای روانی و شیوه های درمان آنها را عملاً بشناسد ، انواع آزمونهای روانی و موارد کاربرد هر کدام را بشناسد و

در مواقع ضروری بتواند از آنها استفاده کند و با مفاهیم و کاربردهای راهنمایی تحصیلی و شغلی و مشاوره گروهی آشنا باشد.

به کار گیری مشاوران در مدارس ابتدایی ممکن است با مشکلاتی مواجه شود. قبل از فرستادن مشاور به مدارس ابتدایی باید پرسشهایی مطرح و برای هر کدام پاسخ مناسبی جستجو شود: آیا کارکنان مدرسه برای پذیرش مشاوران آمادگی دارند؟ آیا برای تکمیل کادر مدرسه به وجود مشاوران نیاز دارند؟ آیا ضرورت حضور مشاور در مدرسه تحقیق و بررسی شده است؟ آیا کارکنان مدرسه از وظایف و مسئولیتهای اصلی مشاور آگاهند؟ و آیا برای توجیه والدین و آگاه کردن آنان از نقشها و وظایف مشاوران برنامه هایی تهیه شده است؟

۲. نقش معلم

همه متخصصان راهنمایی و مشاوره معتقدند که نقش معلم در راهنمایی و مشاوره کودکان بسیار مهم است. حتی عده ای توصیه می کنند که معلم علاوه بر تدریس ، باید به مشاوره با کودکان نیز بپردازد. معلم که با کودکان مدرسه تماس دائم و نزدیک دارد ، از تواناییها ، ضعفها ، آرزوها و نیازهای آنان بخوبی آگاه است. نقش معلم در برنامه راهنمایی و مشاوره به صورتهای حمایتی ، مشاوره ای ، ارجاعی و خدماتی است. معلم از طریق همکاری با والدین و کارکنان مدرسه ، عملکرد مشاور و دیگر متخصصان را مفیدتر و موثرتر می سازد و از آنان در اجرای امور واگذار شده حمایت می کند ؛ در مواقع ضروری به مشاوره با کودکان می پردازد و آنان را در حل مشکلاتشان یاری

می دهد. کودکان را به خوبی می شناسد و در صورتی که به کمکهای خاص نیازمند باشند، آنان را نزد مشاور و دیگر متخصصان ارجاع می دهد.

معلم مدارس ابتدایی از بروز مشکلات کودکان پیشگیری می کند و با ایجاد فضای صمیمی در کلاس و تامین سلامت روانی دانش آموزان، موجبات تسهیل و افزایش یادگیری آنان را فراهم می آورد. معلمان مدارس باید اصول و فنون راهنمایی و مشاوره را بدانند و بتوانند از آنها در مواقع ضروری استفاده کنند؛ بنابراین در دوره های آموزش آنان، باید به تدریس این دروس توجه خاصی مبذول شود.

معلمان آشنا به روشهای راهنمایی و مشاوره کودکان با ایجاد رابطه انسانی و دوستانه با آنان، یادگیری را ساده و جالب می کنند و ترس و وحشتی را که معمولاً کودکان از معلمان دارند از بین می برند. دیگر اینکه همواره از صفات مثبت و نقاط قوت کودکان کار را آغاز می کنند و به رفع صفات ناخواسته و نقاط ضعف آنان می پردازند همچنین به محض مشاهده علائم نابهنجاری در کودکان، نسبت به رفع آنها به طور مناسب مبادرت می ورزند.

۳. نقش والدین

در راهنمایی و مشاوره کودک، همکاری والدین با مشاور و معلم نقش کلیدی دارد و بدون مشارکت آنان، کمک به کودک غیر ممکن است. همکاری والدین باعث می شود که مشاور و معلم، اطلاعات جامعی درباره کودک کسب کنند و با شناخت تواناییها و محدودیتها، علل رفتار کودک را تشخیص دهند. از طریق این همکاری،

روابط دوستانه بین مشاور و معلم و والدین به وجود می آید که باعث اطمینان و تسلی خاطر والدین می شود و آنان را با تماس و همکاری بیشتر تشویق و ترغیب میکند. والدین نیز اطلاعاتی درباره کودکشان کسب می کنند و با نیازها و مشکلات آنان بیشتر آشنا می شوند و نحوه کار کردن صحیح با فرزندشان را می آموزند.

جلسه ملاقات مشاور و معلم با والدین که معمولاً بیست تا سی دقیقه به طول می‌انجامد، به منظور ایجاد هماهنگی بین آموزش مدرسه با خانواده، مبادله اطلاعات در مورد کودک و تبیین سیاستها و خط مشی های مدرسه تشکیل می شود. این تلاش ها در وهله اول، از بروز مشکلات در آینده پیشگیری می کند. مشاور و معلم قبل از حضور

در جلسه باید بدانند هدفهای ملاقات با والدین چیست، در صدد کسب چه نوع اطلاعاتی هستند، چه مطالبی را می خواهند به والدین انتقال دهند و از اطلاعات به دست آمده چه استفاده ای خواهند کرد.

در سالهای اولیه آموزش رسمی کودک، نوع مشارکت و انتظارات والدین نسبت به اهداف و روش جلسات ملاقات با مشاور و معلم شکل می گیرد. اگر تماس مسئولان مدرسه با والدین به صورت ملاقاتهای منظم و جدی باشد، والدین در آینده انتظار دارند

از طرف مدرسه دعوت شوند و خود را موظف به شرکت در آن می دانند. چنانچه مسوولان مدرسه به طور جدی عمل نکنند و ملاقات با والدین را تنها با برگذاری یک جلسه عمومی در طول سال تحصیلی برقرار سازند، والدین نیز کار را جدی نخواهند گرفت و در همین حد از مدرسه انتظار خواهند داشت. اگر فقط از والدینی که کودکشان

مشکل دارد برای ملاقات با مشاور و معلم به مدرسه دعوت به عمل آید ، در این صورت والدینی که توسط مسوولان به مدرسه احضار می شوند ، از قبل فکر خواهند کرد که برای فرزندشان در مدرسه مشکلی به وجود آمده است.

مشاور باید برای آموزش والدین به صورت فردی و گروهی برنامه های دقیق تهیه و تنظیم کند و با کمک کارکنان مدرسه آنها را به مرحله اجرا در آورد. والدین از طریق آموزش ، با مسائل فرزندشان آشنا می شوند و روشهای حل مشکلات را یاد میگیرند. آموزش والدین تا حدود بسیاری جنبه پیشگیری دارد و از ایجاد مشکلات اجتماعی و عاطفی جلوگیری می کند. آموزش والدین اصولی دارد از جمله: والدین قدرت یاد

گیری دارند ، به یادگیری علاقه مندند ، آنچه را دوست دارند یاد می گیرند ، موضوعی را که به رابطه آنان با کودکشان مربوط باشد بهتر می آموزند ، از طریق بحث و گفتگو ، یادگیری آنان افزایش می یابد ، در آموزش باید به مسائل عاطفی و عقلانی توجه شود و هر کدام از والدین روش یادگیری خاص دارند.

مشاور برای برگزاری جلسه آموزش والدین ، باید طراحی و برنامه ریزی کند و به نیازهای کودکان توجه خاص داشته باشد. ابتدا باید ضرورت تشکیل جلسات آموزش والدین مشخص شده ، سپس زمان و مکان جلسه و در نهایت محتوا و روش کار تعیین شود. در ایجاد یک برنامه مفید و موثر برای آموزش والدین باید:

۱- نیازها بررسی و مشخص شود. در این مورد مشکلات والدین و نیازهای آنان به آموزش ، مطالعه می شود و برنامه های مناسب برای رفع مشکلات طراحی می گردد .

۲- برنامه مناسب برا یارضا نیازها و رفع مشکلات تهیه و تدوین می شود. در طراحی برنامه باید والدین دخالت داشته باشند.

۳- برنامه تهیه شده از طریق رسانه های گروهی باید به اطلاع عموم برسد و به دنبال آن در روز و محل تعیین شده ، جلسه تشکیل و کار آموزش آغاز شود.

اگر جلسه ملاقات بنا به تقاضای والدین برگزار می شود ، بهتر است مشاور و معلم علت تشکیل جلسه را از والدین جویا شوند. ممکن است منظور والدین ، ارزیابی خصوصیات کودکشان باشد ، یا آنکه می خواهند در زمینه پیشرفت تحصیلی و رفتارهای اجتماعی و عاطفی او صحبت کنند یا آنکه در صددند شیوه های کمک به فرزندشان را بیاموزند. در این حالت ، والدین احترام بگذارند و صبورانه به حرفهای آنان گوش دهند. در این جلسات ، مشاور و معلم باید والدین را تشویق کنند تا به کودک اجازه دهند در مواردی خودش تصمیم بگیرد و عواقب رفتارش را مشاهده کند.

۴. نقش مدد کار اجتماعی
مدد کاران اجتماعی در پیشبرد اهداف برنامه رهنمایی و مشاوره کودک نقش مفید و موثری ایفا می کنند. مدد کاری اجتماعی یکی از خدمات رهنمایی است و در

پیشگیری از بروز مشکلات کودک نقش بسزایی دارد. مدد کار اجتماعی ، بین کودک مشکل دار و خانواده او با دیگر نهادها و سازمانهای اجتماعی رابطه یاری دهنده برقرار می سازد و از امکانات نهادها و سازمانها برای حل مشکلات کودک و خانواده اش بهره می گیرد. مدد کار اجتماعی همچنین با مراجعه به افراد مختلف ، اطلاعات لازم را درباره کودک و اطرافیان او جمع آوری می کند. مدد کار اجتماعی برای آنکه در کارش موفق شود ، باید با منابع ارجاعی و رفاهی جامعه ونحوه ارائه خدمات آنها بخوبی آشنا باشد تا در مواقع ضروری بتواند از آنها در جهت حل مشکل کودکان و خانواده هایشان استفاده کند.

۵. نقش روان سنج

در برنامه راهنمایی و مشاوره کودک ، روان سنج نیز نقش مهمی دارد و به حل مشکل کودک کمک می کند. روان سنج که اصولاً در زمینه تهیه و اجرا و تعبیر و تفسیر آزمونهای روانی تخصص دارد ، با اجرا و تعبیر و تفسیر انواع آزمونهای روانی در نظامهایی که برنامه راهنمایی و مشاوره کودک گسترده ای دارند ، اطلاعات دقیق و جامعی درباره کودک در اختیار مشاور قرار می دهد. چنانچه در برنامه راهنمایی و مشاوره ، روان سنج وجود نداشته باشد مشاور ، انجام دادن وظایف او را عهده دار می شود.

۶. نقش مدیر

مسئولیت اداری و اجرایی برنامه راهنمایی و مشاوره مدرسه بر عهده مدیر است. وظایف عمده مدیر مدرسه در برنامه راهنمایی و مشاوره کودک عبارت است از : نظارت بر فعالیت مشاور ، کوشش در پیش برد امور آموزشی و تربیتی مدرسه در چهار چوب اصول و هدفهای برنامه راهنمایی و مشاوره ، همکاری جدی با مشاور به منظور شناخت کودکان ، جلب همکاری منابع موجود در جامعه ، مشورت با معلمان در زمینه شناخت مشکلات کودکان و کمک به رفع نیازهای آنان ، تشکیل جلسات با کودکان و والدین و معلمان به منظور جلب حمایت و همکاری آنان نسبت به برنامه راهنمایی و مشاوره مدرسه ، فراهم آوردن امکانات و تجهیزات لازم برای اجرای برنامه راهنمایی و مشاوره مدرسه و تنظیم برنامه های درسی کلاسها به طریقی که مشاور در مواقع ضروری بتواند با دانش آموزان ارتباط برقرار کند. مدیر مدرسه برای آنکه در انجام دادن این وظایف موفق شود ، باید در زمینه راهنمایی و مشاوره آگاهی داشته و کارآموزی لازم را گذرانده باشد.

۷. نقش انجمن اولیا و مربیان

توجه به آموزش و پرورش کودکان ، مشاوره با والدین و کودکان به منظور رفع مشکلات آنان و هماهنگ کردن روشهای تربیتی و آموزشی خانه و مدرسه از جمله اهداف تشکیل انجمن اولیا و مربیان محسوب می شود. همکاری و همیاری و تفاهم بین کارکنان مدرسه با والدین ، حل مسائل خانوادگی کودکان ، کمک مالی به خانواده های نیازمند ،

آموزش والدین در اعمال شیوه های تربیتی درست با فرزندان ، آگاه کردن والدین از وضع رفتاری و تحصیلی کودکان و جلب همکاری والدین و استفاده از تخصص آنان در زمینه های گوناگون ، آموزش و پرورش کودک را کارآمد و مفید می سازد. انجمن اولیا و مربیان مدرسه با بهره گیری از همکاری فکری و مالی و تخصصی والدین در زمینه های مطرح شده ، می تواند خدمات ارزشمندی برای کمک به کودکان و رفع مشکلات آنان ارائه دهد.

۱. آزاد ، حسین ؛ روانشناسی مرضی کودک؛ انتشارات پازنگ ، تهران:۱۳۶۸
۲. اتکینسون ، ریتا وهمکاران؛ زمینه روان شناسی؛ ترجمه محمد تقی براهنی وهمکاران؛ انتشارات رشد ، تهران:۱۳۶۷
۳. احدی، حسن وشکوهالسادات بنی جمالی ؛ روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)؛ چاپ ونشر بنیاد ، تهران:۱۳۶۸
۴. احمدی ، سید احمد؛ روانشناسی نوجوانان وجوانان ؛ انتشارات مشعل ، اصفهان:۱۳۶۸.
۵. اخوت ، ولی الله ؛ روان درمانی ؛ انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی ، تهران:۱۳۵۶
۶. بهرامی ، هادی؛روانشناسی کودک ؛ انتشارات دانشگاه ابوریحان بیرونی ، تهران: ۱۳۵۸.
۷. پارسا ، محمد؛ روانشناسی رشد کودک ؛ چ ۵ ، انتشارات پیوند ، تهران:۱۳۶۷.
۸. حسینی، سید مهدی؛ اصول و روشهای راهنمایی ومشاوره ؛ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران:۱۳۶۹
۹. شعاری نژاد ، علی اکبر ؛ روانشناسی رشد ؛ انتشارات اطلاعات ، تهران:۱۳۶۸
۱۰. شفیع آبادی ، عبدالله ؛ پویایی گروه ومشاوره گروهی ؛ چ ۲ ، انتشارات رشد، تهران:۱۳۷۲-الف

۱۱. لندرت ، گری ؛ بازی درمانی: دینامیسم مشاوره با کودکان ؛ ترجمه خدیجه آرین ؛

انتشارات اطلاعات ، تهران: ۱۳۶۹.

۱۲. ماک لین ، ایزابل ؛ راهنمایی و مشاوره کودک ؛ ترجمه رضا شاپوریان ؛ انتشارات

امیر کبیر ، تهران: ۱۳۵۵